

■ ریشه‌های فرهنگی و بومی مفاهیم کتابداری و اطلاع‌رسانی

غلامرضا فدالی

■ چکیده

هدف: در این مقاله استدلال می‌شود مفاهیم بومی در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی بیش از آنکه محصول دیدگاه شرقی یا غربی باشد، انسانی است و با ذات نیاز بشر عجین است. روش/ رویکرد پژوهش: نویسنده با بررسی متون به تحلیل پرداخته است.

یافته‌ها: بسیاری از مفاهیم، ریشه در فرهنگ اسلامی، قرآنی و روایی دارد. محققان می‌توانند در تحقیقات خود و به‌ویژه در مبانی نظری از آن استفاده کنند.

اصالت/ ارزش: مشابه این تحلیل قبلاً صورت نگرفته است. امید می‌رود که با تحقیقات بیشتر، مبانی محکم‌تری در این حوزه برای بومی‌سازی تحقیقات به‌دست آید. با معرفی پاره‌ای مفاهیم بنیادی کتابداری و اطلاع‌رسانی که ریشه در مبانی فکری اسلامی در ایران دارد، امید می‌رود که سایر حوزه‌های علوم انسانی هم اقدامی مشابه انجام دهند.

کلیدواژه‌ها

مفاهیم بنیادی، کتابداری و اطلاع‌رسانی، بومی‌سازی فکری

ریشه‌های فرهنگی و بومی مفاهیم کتابداری و اطلاع‌رسانی

غلامرضا فدائی^۱

دریافت: ۱۳۹۰/۹/۱۵ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۳

مقدمه

علوم مختلف انسانی و غیرانسانی (مانند ریاضی، پزشکی، علوم پایه و ...) ریشه در نیاز بشر به آنها دارد. هرچه نیاز انسان عینی‌تر و واقعی‌تر باشد علم (و یا علمی) که متناظر با آن است از استحکام و ماندگاری بیشتری برخوردار است. در گذشته اسلامی، علوم را برحسب درجه نیازمندی انسان به آنها، گاه به علوم مقدم و مؤخر و یا علوم اشرف و اخس تقسیم می‌کردند (ابن حزم، ۱۳۶۹).

کتابداری و اطلاع‌رسانی به معنای رایج آن، از دانش‌های جدیدی است که در جهان سابقه زیادی ندارد و به این مفهوم در ایران سابقه آن بسیار کمتر است، اما به آن معنا نیست که مفاهیم آن در جامعه اسلامی-ایرانی ما سابقه نداشته باشد. با گسترش منابع اطلاعاتی پس از انقلاب صنعتی اروپا، کتابخانه‌ها با حجم انبوهی از مواد اطلاعاتی مواجه و به ناچار مجبور شدند برای سامان دادن آنها و استفاده بیشتر و به موقع به طرح‌های رده‌بندی متوسل شوند. از جمله این طرح‌ها، طبقه‌بندی‌های مرسوم و متداول از جمله دیوئی و ال.سی است که در کشورهای انگلیسی‌زبان و طرفداران آن کاربرد و توسعه فراوان یافته است. امروزه به‌ویژه در کشور ما بسیار مشاهده می‌شود که وقتی نام کتابداری و اطلاع‌رسانی برده می‌شود بعضی‌ها آن را ذاتاً آمریکایی می‌دانند. همراهی آن با فناوری‌های الکترونیکی مزید بر علت شده و پژوهشگران و دانشجویان همواره در تحقیقات دانشگاهی و پروژه‌های کاربردی روبه سوی

۱. استاد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران
ghfadaie@ut.ac.ir

غرب دارند و یافته‌های آنان را دوباره در اینجا می‌آزمایند و چنانچه بخواهند بیشتر تلاش کنند سعی در بومی‌سازی آن می‌کنند، غافل از آنکه بسیاری از مفاهیم کتابداری و اطلاع‌رسانی (که یک مفهوم انسانی است) در بین همه جماعات انسانی ریشه دارد که استخراج این ریشه‌ها می‌تواند در تقویت باورهای اجتماعی و فرهنگی آنها بسیار مؤثر باشد.

این باورها و بازنگری‌ها نه تنها در تقویت بنیه علمی و هویت بخشی علمی تأثیر دارد، بلکه افراد را وادار می‌کند تا مقلد صرف نباشند و به آنچه خود دارند بیندیشند و در مقام نقادی نسبت به آنچه از دیگران می‌گیرند برآیند. بحث و بررسی بر روی چنین مقدماتی از آن جهت اهمیت دارد که در کشور ما بسیاری دانشجویان و حتی استادانی که چون با زبان عربی و حتی فارسی قرون قبل آشنا نیستند، با ریشه‌های مفاهیم ارتباط برقرار نمی‌کنند و به ناگزیر بسیاری از مفاهیم انسانی را ذاتاً غربی می‌دانند. بیگانگی نسبت به زبان عربی تا آنجا پیش می‌رود که در برنامه دوره کارشناسی کتابداری و اطلاع‌رسانی در بازنگری جدید در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری آموزش زبان عربی را حذف می‌کنند. کسانی هم هستند که سخت شیفته فناوری‌اند و همراه و همگام با آنان به تحقیقات وب و وب‌شناسی مشغول‌اند.

بنابراین طرح این مباحث به معنای دست‌کم گرفتن پژوهش‌های دیگران و از جمله غربیان نیست (علم از هر جا که باشد ارزشمند و قابل احترام است)، بلکه سخن در این است چرا باید آنچه را که خود داریم از بیگانگان تمنا کنیم و یا اگر از دیگران می‌گیریم دست‌کم بدانیم که خود نیز مشابه و شاید در مواردی بهتر از آن مفاهیم را داشته و داریم. این سبب می‌شود که وقتی در صحنه علمی حاضر می‌شویم استنادات ما صرفاً گفتار دیگران نباشد، بلکه از خود هم چیزهایی را نقل می‌کنیم. اتخاذ چنین شیوه‌ای مقالات و سخنرانی‌های ما را پربارتر و مستمعان بیشتری را به خود جلب می‌کند و به میزان تسلط ما بر دانش بومی و میراث فرهنگی و نوع ارائه، افراد به استماع نظرات ما علاقه‌مندتر می‌شوند و قطعاً در پذیرش مقالاتمان در سطح جهانی نیز تأثیر مثبت دارد.

اگر به دنیای سلطه اعتقاد داشته باشیم خواهیم پذیرفت که سلطه‌گران می‌خواهند سایر ملت‌ها تحت سلطه دائمی باشند؛ به‌ویژه این سلطه از نظر فرهنگی و علمی برایشان حساس‌تر و مهم‌تر است. آنها وقتی ببینند که ملت تحت سلطه غذای فکری خود را نیز از آنها می‌گیرد قطعاً رضایتمندتر می‌شوند.

علت دیگر طرح این موضوع بازخوردی است که از بیان این مسائل در کلاس‌های درس داشته‌ام. بسیاری از دانشجویان علاقه‌مندند که به‌هنگام استناد، به مطالب، منابع و متون خودی نیز استناد کنند و ریشه‌های مسائل علمی و فرهنگی را در میراث ملی و اعتقادی جست‌وجو کنند، اما به دلیل ضیق وقت و کمبود اطلاعات و ناتوانی در استفاده از متون

قدیمی از خیر آن می‌گذرند و تلاش می‌کنند زودتر تکالیف خود را انجام دهند. قطعاً نظام آموزشی و حدود مرزهایی که در این زمینه تعیین می‌کنند نیز در ایجاد چنین محدودیت‌هایی بی‌تأثیر نیست.

همان‌طور که اشاره کردم بیان این مطالب به‌هیچ‌وجه به معنای دست‌کم گرفتن تحقیقات دیگران نیست، بلکه تأکید بر بررسی و کنکاش درباره ادبیات و معارف بومی است. البته بدیهی است که فناوری‌های جدید ارمغان غرب است، اما مفاهیم اساسی و بشری مفاهیم همیشگی و ماندگار و مربوط به همه انسان‌هاست و هر ملتی به فراخور سابقه فرهنگی، مذهبی و تاریخی خود دارای توانمندی‌هایی است که باید آن را در کنار ضعف‌های آن بررسی و مطالعه کند. به‌عنوان مثال اگر به جدول نیازهای مازلو (که اینک شهرت جهانی یافته و همواره مورد استناد قرار می‌گیرد) بنگریم می‌بینیم که معادل آن و چه بسا کامل‌تر از آن در آیات و روایات اسلامی وجود دارد.^۲

این مورد به‌عنوان نمونه ذکر شده و الا اگر در موارد گوناگون جست‌وجو کنیم مطالب بسیار فراوان است؛ مثلاً تقوای اسلامی چه بسا اینکه تحت عنوان خودکترلی تودد و معاشرت با مردم تحت عنوان EQ (فرامرزی، همایی و حسن، ۱۳۸۸، ص ۸) و یا مراقبه و محاسبه تحت عنوان خودارزیابی (هویدا و آقابابایی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷) در علوم مدیریت و روان‌شناسی از جانب دیگران مطرح شده و از این قبیل بسیار است. مفاهیم بنیادی کتابداری و اطلاع‌رسانی همچون بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی ریشه در فرهنگ همه ملت‌ها و اقوام دارد. به‌عنوان مثال تحقیق به روش دلفی مشابهت بسیار با اجماع دارد؛ مطالعات زمینه‌ای چیزی شبیه اصطلاح شأن نزول است؛ زندگی‌نامه‌نگاری با علم رجال و در پاره‌ای از موارد تاریخ، همبستگی زیاد دارد؛ مطالعات موردی و کیفی با تحقیقات محلی و گزینش‌های موردی مشابه است؛ روش‌های استنادی با علم‌الحديث یا علم‌الکلام می‌تواند هم‌پیوند باشد. یورلند در پایگاه کشتی حیات معرفت‌شناسی^۳ (۲۰۱۰) خود اهمّ مباحث کتابداری و اطلاع‌رسانی را مطرح کرده و بعضی از آنها را مفاهیم کلیدی می‌نامد. با توجه به این منبع، عمده مفاهیمی که می‌توان برای آن تناظراتی در فرهنگ اسلامی - ایرانی یافت عبارتند از: سازماندهی دانش (ko)، کتابشناسی، فهرست و فهرست‌نگاری، نظم استنادی، سلسله‌مراتبی، نمایه‌سازی، بازیابی اطلاعات، اصول تقسیم، اصل خاستگاه، نمایه درخواست محور، زمینه، روابط معنایی، خوشه‌بندی، مقوله‌بندی، کتابخانه، طبقه اصلی و مانند آن.

قابل به ذکر است که براساس تحقیقی که فدائی (۱۳۸۹) انجام داده است خاستگاه کتابداری و اطلاع‌رسانی را کتابخانه نمی‌داند، بلکه کتابخانه را به‌عنوان بزرگترین نیازی که انسان به اطلاعات دارد معرفی می‌کند. بدیهی است چنین چرخشی در تعریف، هم تعریف

۲. به عنوان مثال کاد الفقران یكون كفايرى
نیازهای مادی و انکحوا الایمی منکم و الصالحین
من عبادکم و امامتکم... برای نیازهای جنسی و
یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اوتوا العلم
درجات برای نیازهای خودشکوفایی
3. Epistemological life boat

کتابداری و اطلاع‌رسانی را اصلاح می‌کند و آن را با ذات نیاز انسان به اطلاعات پیوند می‌دهد، و هم دایره آن را از وضعیت قبلی فراتر برده و دو حوزه مدیریت دانش و نشر را (که هر یک به‌نوعی در اطلاع‌رسانی و بازیابی دخیل‌اند) دربرمی‌گیرد. به‌عبارت دیگر هر جا سخن از نیاز اطلاعاتی می‌شود بازیابی آن نیز مطرح است و هر جا بازیابی مطرح باشد طبقه‌بندی و نمایه‌سازی مناسب و بهینه برای به حداکثر رساندن بهره‌برداری هم مطرح می‌شود. در این بین کاربری بالفعل و بالقوه هم جنبه دیگر این نیاز است (فدائی، ۱۳۸۹) که در مجموع نیازمندی به اطلاعات و بازیابی آن، جز در رابطه با کاربر و کاربران تعریف نمی‌شود. از این رو کتابداری و اطلاع‌رسانی علمی است که متکفل بازیابی و ارزیابی اطلاعات مناسب برای مخاطب مناسب در زمان و مکان مناسب می‌باشد. اکنون با این مقدمه ضروری است که به بنیادهای فکری - فرهنگی در مفاهیم کتابداری و اطلاع‌رسانی به‌طور اجمال پرداخته شود. همان‌طور که گفته شد براساس تحقیق پیشگفته یورلند و نیکلیسن، پاره‌ای مفاهیم بنیادی کتابداری و اطلاع‌رسانی را به‌ترتیب ذکر می‌کنم. لازم است تذکر دهم که لزوماً نباید مفاهیمی که ارائه می‌شود دقیقاً با اصطلاحات ساخته شده امروز برابر باشد، بلکه اگر بتوان مفاهیم را به‌گونه‌ای به هم مرتبط کرد نیز مقصود حاصل می‌شود. اینک به توضیح این اصطلاحات می‌پردازم:

• نیاز به اطلاعات

نیاز به اطلاعات و دانش چیزی نیست که کسی منکر آن باشد. در مورد مسائل عادی زندگی همه بدون وقفه تلاش می‌کنند؛ تلاش بدون داشتن آگاهی و اطلاع ممکن نیست. به‌طور مثال وقتی کسی برای تلاش در معاش کوشش می‌کند قطعاً دانش مرتبط با آن هم مد نظر اوست. لذا وقتی گفته می‌شود «من لا معاش له لا معاد له» به معنای اهمیت ضرورت جست‌وجوی طبیعی و عادی برای دریافت اطلاعات برای بهینه‌سازی امر معاش است. اما آنچه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد تلاش و علاقه برای کسب علم و دانش است که نیازمندی به آن برای رفع حوائج اولیه زندگی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. از اهم استناداتی که می‌توان در این باره آورد عبارتند از:

- «الناس ثلاثه، فعالم ربانی، و متعلم علی سبیل النجاه و همج رعاء»، مردم سه دسته‌اند: عالم ربانی، طالب علم و آموزنده‌ای که به راه نجات و رهایی یافتن است (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۱، حکمت ۱۳۹).

- «لا فقر أشد من الجهل، لا مال أعود من العقل»، هیچ تهیدستی‌ای سخت‌تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۳۰).

- «لو علم الناس ما فی طلب العلم لطلبوه و لو بسفک المهج و خوض اللجج» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۴۳).

• جمع‌آوری اطلاعات و دانش

جمع‌آوری هدفمند اطلاعات و دانش دومین گام برای بازیابی درست و به‌موقع در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است؛ از جمله می‌توان به موارد زیر در این باره اشاره کرد:

• حفظ و نگهداری

– «احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون الیه»، کتب خود را حفظ کنید همانا بزودی به آنها محتاج خواهید شد (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۶۷).

این روایت به اجمال راز و رمز ذخیره‌سازی به‌منظور بازیابی را بیان می‌کند. در این روایت به حفظ و نگهداری کردن کتب (مجموعه اسناد) اشاره دارد. حفظ از همه جهات می‌تواند مطرح باشد؛ چه جنبه‌های فیزیکی و یا جنبه‌های معنوی به لحاظ جلوگیری از تحریف و تخریب؛ علت آن هم دقیقاً بیان شده و آن احتیاج و نیاز برای استفاده است. در این روایت روی این نکته تأکید شده که نیازمندی و احتیاج به استفاده از کتب و محتوای آن، راز و رمز نگهداری آنهاست؛ و الاً چنانچه نیاز به استفاده نباشد نگهداری آن نیز ضرورت ندارد. صیغه جمع و امر به همه و باتوجه به معنای گوناگون کتاب می‌تواند جالب توجه باشد.

• گزینش منابع

اصل دیگری که در کتابداری و اطلاع‌رسانی مطرح است اصل انتخاب و گزینش منابع است. همه چیز را باتوجه به فرصت کم نمی‌توان جمع‌آوری کرد و یا به دنبال آن بود. این اصل هم برای نیازمندی‌های فردی مطرح است و هم برای نیازمندی‌های اجتماعی. هیچ‌کس نمی‌تواند به همه مسائل احاطه پیدا کند و به قول معروف همه چیز را همگان دانند، به همین سیاق هم کتابخانه نمی‌تواند همه چیز را داشته باشد، لذا باید گزینش کند. این گزینش بیش از آنکه به لحاظ اخلاقی و تربیتی مهم باشد، به لحاظ زمانی و محدودیت عمر دارای اهمیت است. علی‌السلام می‌فرماید:

– «العلم کثیرٌ والعمر قصیر، فخذوا من کل علم روائحه»

علم فراوان است و عمر کوتاه، پس از هر علمی خوشه چینی کنید.

• سازماندهی

سازماندهی اصل دیگری از کتابداری و اطلاع‌رسانی است. در گذشته سازماندهی را اساس و پایه استوار کتابداری می‌دانستند، به گونه‌ای که مهم‌ترین درس در نظام آموزشی آن محسوب می‌شد، اینک وب و وب‌شناسی به گونه‌ای جای آن را گرفته است اگر چه آن هم به نوبه

خود بر انواعی از سازماندهی مبتنی است. به هر حال سازماندهی امر مهمی است و بدون آن کار تنظیم و تنسيق اطلاعات زمین می ماند و انبوه نامنظم اطلاعات نه تنها فایده و کاربردی نخواهند داشت بلکه مزاحم و موجب دست و پاگیری خواهند شد.

از آنجا که کتاب دارای مفاهیم گوناگون است، هم به معنای آنچه بین دو لایه جلد قرار گرفته است می آید، هم بر معنای قانون و قانونمندی است و هم به معنای وسیله انتقال دانش است! (رجبی، فصلنامه کتاب، شماره های ۱ و ۲). در این معنا دانش ذهنی را باید عینی کرد. می توان با کتابت، هر یک از معانی فوق را برای آن در نظر گرفت. اگر این روایت «قیدوا العلم بالکتابه» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۳۹) را بر مجموعه روایت ها اضافه کنیم که دانش را با کتابت و یا نوشتن مهار کنید، می توان چنین برداشت کرد:

۱. **دانش عیان:** دانش را عیان کنید و آن را با نوشتن به بند بکشید، آن را رام سازید، آن را روشن و علمی کنید تا همگان از آن استفاده کنند. دانش وقتی درونی است، رام نیست و ناآرام است و همواره مرغ خیال آن را به این ور و آن ور می برد، مگر آنکه آن را با بند کتابت محدود و محصور کنید.

۲. **پردازش:** آن را پردازش و قانونمند کنید؛ عبارت دانش را با کتابت به بند بکشید می توانید به قانونمند کردن و پردازش ناظر باشید. زیرا به هنگام نوشتن، بسیاری از خیالات به واقعیات تبدیل می شود. دانش با نوشتن و مکرر خواندن آن پردازش می شود و از آنجا که نوشته سندی است که از هر کس به جای می ماند، هر کس سعی در عقلانی و منضبط کردن آن دارد، زیرا هر نوشته مبین شخصیت فرد است.

۳. **حفظ:** حفظ و نگهداری ویژگی سوم است که با قید و بند کردن حاصل می شود، یعنی اگر دانش مکتوب شود از فراموشی محفوظ می ماند. دیگران از آن نسخه برداری می کنند و باعث انتشار می شود.

۴. **قانونمندی:** قانونمندی نشان از نظم دارد، آنچه را که انسان مقید می کند باید منظم باشد زیرا مکتوب نامنظم خاصیت ماندگاری برای انتقال را ندارد. نه خود فرد و نه دیگری از مکتوبات محافظت شده، بدون نظم و انضباط بهره نمی برند. بنابراین روایت به نوعی می تواند به نظم و انضباط اشاره داشته باشد.

۵. **حفظ:** در این روایت تأکید بر حفظ و به بند کشیدن دانش با نوشتن و کتابت است و سخن از محمل خاص نیست، بنابراین هم کاغذ و هم هر محمل دیگری می تواند این مهم را به انجام رساند.

۶. **روشمند کردن:** باز می توان چنین برداشت کرد برای به بند کشیدن دانش به گونه ای که هم برای خود و هم برای دیگران قابل استفاده باشد، روش امر مهمی است. در واقع خود علم

جز روش و اتکاء بر تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی چیز دیگری نیست.

• بازیابی

نیازمندی به اطلاعات جزو اساس علم کتابداری و اطلاع‌رسانی است. فدائی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای بازیابی را اساس و پایه علم کتابداری می‌داند. در این مورد می‌توان به روایت «احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون الیها» کتب خود را حفظ کنید همانا به زودی به آنها محتاج خواهید شد (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۶۷) استناد کرد. به نظر می‌رسد بخش دوم این روایت (که اشاره به احتیاج به کتاب (علم) را متذکر می‌شود) بیانگر توجه به بازیابی است. همچنین علی علیه‌السلام در آخرین فرازهای زندگی که به فرزندان و همه مردم جهان وصیت می‌کند، تأکید به نظم کرده است. نظم امر علاوه بر توجه به سازماندهی به بازیابی هم مشعر است، زیرا نظم در کارها انسان را در پیشبرد امور موفق می‌کند. نظم امر یعنی هر چیزی را به جای خود گذاشتن و روال و ترتیب امور را در نظر گرفتن. متن بخشی از روایت این است:

«اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، نامه ۴۷)، من شما و همه فرزندان و خاندانم را، و همه آن کسانی که نامه من به آنها می‌رسد را به تقوا و نظم در امور سفارش می‌کنم.

• اشاعه

یکی دیگر از مفاهیم پایه کتابداری و اطلاع‌رسانی اشاعه است. اشاعه یعنی رساندن اطلاعات مورد نیاز نیازمندان به اطلاعات در زمان و مکان مناسب. تعبیر اصلی این خدمت اشاعه گزینشی اطلاعات است که در آن کتابدار و اطلاع‌رسان با برنامه قبلی از نیازمندی‌های متقاضیان مطلع می‌شود و با جست‌وجو در پایگاه‌ها، نیازمندی‌های اطلاعاتی را برای آنان ارسال می‌کند. روایت «زکوة العلم نشره» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۶۳۸) می‌تواند ناظر به این خدمت باشد. نشر و انتشار علم جزو وظایف اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی است. پس آن کس که علم خود را منتشر می‌کند هم زکات علم خویش را پرداخته و هم به معلومات خویش افزوده است.

در روایت است که سخن را باید در اختیار سخن‌دان و سخن‌سنج قرار داد. این وظیفه کتابدار و اطلاع‌رسان است که علم را منتشر کند اما وظیفه او هم هست که کاربر را بشناسد. در روایت است که علی علیه‌السلام به هنگام توصیف پیامبر اسلام، او را به طیبی تشبیه می‌کند که داروی خویش را به همراه دارد و کوچه به کوچه به دنبال بیمار می‌گردد تا او را

مداوا کند و بر زخم‌ها مرهم نهد (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، خطبه ۱۰۷).

• یادگیری مادام‌العمر

این روزها یادگیری مادام‌العمر از بسیاری جهات مورد توجه قرار گرفته و بسیاری آن را مرتبط با رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌دانند. اگر چنین فرضی مورد قبول واقع شود توجه به یادگیری در زمان و مکان به‌طور نامحدود از ویژگی‌های این وظیفه است. در این مورد روایات زیر مورد توجه است:

- **به لحاظ زمانی:** زگواره تا گور دانش بجوی، «اطلبوا العلم من المهد الى اللحد» (نهج الفصاحه، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۶۴).

- **به لحاظ مکانی:** دانش بیاموزید اگرچه در کشور چین باشید، «اطلبوا العلم ولو بالصین» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۷، ص ۲۷).

- **به لحاظ چگونگی:** «لو علم الناس ما فی طلب العلم لطلبوه و ولو بسفک المهبج و خوض اللجج» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۴۳)، اگر مردم می‌دانستند که در طلب علم چه منفعی وجود دارد به دنبال آن می‌رفتند ولو اینکه خونشان ریخته شود و یا در دریاها غرق شوند.

- **علم جوئی، علم خواهی** از مهم‌ترین مسائل زندگی است. علی‌علیه‌السلام در حکمت ۸۲ نهج البلاغه می‌فرماید: من شما را به پنج چیز توصیه می‌کنم که اگر برای کسب آن همه زمین را بگردید سزاوار است. از این پنج امر دو تای آن به اطلاع و یادگیری و ضرورت آن مرتبط است و آن دو این است: «ولایستحین احد منکم اذا سئل عما لایعلم ان یقول لاعلم، ولایستحین احد اذا لم یعلم الشئی ان یتعلمه» یعنی شرم ندارد آن‌کس که از چیزی پرسند و نمی‌داند، بگوید نمی‌دانم و نیز شرم نکند آن‌کس که چیزی را نمی‌داند (در صورت نیاز) یاد بگیرد.

- همچنین دعایی که در قرآن به پیغمبر تعلیم شده که بگو: «رب زدنی علماً» (سوره طه، آیه ۱۱۴) یعنی خدایا بر دانشم بیافزا، بزرگترین مؤید و مشوق برای جست‌وجوی علم واقعی است.

• جست‌وجوی علم و اطلاعات

جست‌وجوی اطلاعات هم برای کتابدار و هم برای کاربر از مهم‌ترین مفاهیم مطرح در اطلاع‌رسانی است. از مفاهیم پایه‌ای در این مورد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقها فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلمهم یحذرون» (سوره توبه، آیه ۱۲۲) یعنی چرا از هر طایفه‌ای نباید فردی به جست‌وجوی اطلاعات (فهم در دین) برود و به هنگام بازگشت، قوم خود را بیم دهد شاید آنها حذر کنند.

اگرچه این آیه ناظر به تفقه در دین است، ولی اگر دین را فقه و فهم سراسر زندگی بگیریم می‌توانیم آن را به همه مسائل تسری دهیم. آنان که می‌دانند باید و موظفند که یاد بگیرند و به دیگران تعلیم کنند.

• کاربرد پسند بودن اطلاعات

درباره این مفهوم می‌توان به موارد زیر تمسک جست:

- «خیر الناس انفعهم للناس» (نهج الفصاحه، ۱۳۴۱، ج ۱، ص ۳۱۵)، بهترین شما نافع‌ترین مردم به آنهاست.

- «اذا دخلتم الی بلد فعاشروا بأدابها»، هرگاه به جایی وارد شدید به آداب آن عمل کنید.

بدیهی است کتابدار و اطلاع‌رسان چنانچه به کار خویش علاقه‌مند باشد، خدمت خویش را به گونه‌ای سامان خواهد داد که مورد پسند و میل کاربران باشد.

- مثل دیگری که می‌تواند مؤید باشد عبارت «كَلِمَ النَّاسِ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ» است. با مردم به اندازه فهم آنها باید سخن گفت و یا به عبارت دیگر سطح سخن را باید مطابق خواست و توان آنها تنزل داد.

• دیالوگ و گفت‌وگو

از مفاهیم دیگر که در این روزها مطرح است و بسیار هم به آن تأکید می‌شود دیالوگ است. دیالوگ و گفت‌وگو برای کشف خواسته کاربر از مسائل جدی است. هرمنوتیک نیز با مبحث گفتگوی ارتباط نیست. در این مورد مستندات زیر به نظر می‌رسد مورد توجه باشد:

- «اضربوا بعض الرأی ببعض یتولد منه الصواب»، گویند این روایت مربوط به حضرت علی علیه‌السلام است که فرموده است: آراء را به یکدیگر بزنید تا گفتار صواب از بین آنها بیرون آید (غرر الحکم).

- «من لم یتشتر یندم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۱۰۴)، مشاوره علمی یکی از بزرگ‌ترین مسائلی است که صاحب‌آن هرگز پنهان نمی‌شود. اگر اطلاعات مبنای تصمیم‌گیری باشد که هست، بزرگ‌ترین میزان موفقیت با کسانی است که مشورت می‌کنند. آیه قرآن در این باره می‌فرماید: و مشاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹) برای تصمیم‌گیری باید با اهل فن مشورت شود و سپس تصمیم‌گیری کرد.

• مفید بودن و کاربردی بودن اطلاعات

یکی از مسائل مهم در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی بحث مفید بودن اطلاعات و کاربردی

بودن آن است. در این باره می‌توان به مستندات زیر اشاره کرد:

- «اعوذ بک من علم لا ینفع» (قمی، ۱۳۸۳، ص ۳۸). این حدیث که بخشی از دعاست به این معناست که: خدایا به تو پناه می‌برم از علمی که نفع نداشته باشد. بنابراین مفید بودن علم در امر اطلاع‌رسانی یکی از ویژگی‌های مهم است.

- همچنین روایت است که می‌فرماید: «رحم الله امرأً ترک ما لا یعینیه»، خدا بیامرزد آن‌کس که از آنچه به او مربوط نیست آن را واگذارد (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۶۷).

• تشکیل کتابخانه

تشکیل کتابخانه که علم کتابداری و اطلاع‌رسانی با آن عجین است در واقع به‌عنوان اولین مفهوم تلقی نمی‌شود. ضرورت کتابداری و اطلاع‌رسانی از نیاز انسان به بازیابی اطلاعات ناشی می‌شود، ولی طبیعی است که وجود یک مرکز منظم برای بازیابی اطلاعات یک امر ضروری است، به‌ویژه در جایی که اطلاعات فراوان باشد. درست مثل ضرورت وجود بیمارستان برای جایی که مسائل پزشکی و بهداشتی در سطح وسیعی مورد نیاز است. طبیعی است چنین مرکزی بهتر و بیشتر می‌تواند به انجام وظیفه اطلاع‌رسانی اقدام کند (فدائی، ۱۳۸۹). در هر حال ضرورت وجود کتابخانه و یا هر مرکز اطلاع‌رسانی را، چه به صورت فیزیکی و یا مجازی می‌توان از روایات زیر استنباط کرد:

- «احتفظوا بکتابکم فانکم سوف تحتاجون الیها»، کتب خود را حفظ کنید همانا به‌زودی به آنها محتاج خواهید شد (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۶۷).

- «فیها کتب قیمه» (سوره بینه، آیه ۳) آیه‌ای از قرآن است که اشاره به مرکزی دارد که کتاب‌های استوار در آن است.

• قصد گوینده

امروزه مسئله قصد و نیت گوینده و نقش آن در رازگشایی آنچه در تفسیرگرایی مطرح شده اهمیت بسیاری پیدا کرده است. این مسئله، یعنی «گفته با گوینده» و اینکه چه قصدی از گفته و نوشته داشته همیشه در فکر اسلامی مطرح بوده و هست. علم اصول فقه بحث مفصلی درباره قصد گوینده به‌عنوان اراده استعمالی و اراده جدی دارد. علم رجال خود مؤید دیگری برای این مسئله است. علم رجال به دنبال تحقیق از درجه وثاقت گوینده در گفتار و یا نوشتار است، متن و صحت و محتوای آن در علم حدیث مطرح می‌شود. سخن هر چند خوب و نیکو باشد تا منبع آن مشخص نباشد نمی‌توان به یقین بر آن اتکاء کرد. چه بسا گوینده قصد خاص از بیان را داشته باشد و درک و فهم آن به کشف مسئله کمک می‌کند. در کتابداری و

اطلاع‌رسانی نیز بحث قصد گوینده و نویسنده مطرح شده و در آن نویسندگان مختلفی قلم زده‌اند. در این زمینه آیات و روایات زیر می‌تواند مطرح باشد.

- «فلینظر الانسان الی طعامه» (سوره عبس، آیه ۲۴)، هر انسانی باید به غذای خود بنگرد. در تفسیر این آیه آمده است که معنای آن این است که هر کس باید بنگرد علمی را که می‌آموزد از چه کسی می‌گیرد. بدیهی است این آیه با روایتی که می‌گوید: «لا تنظر الی من قال وانظر الی ما قال» در تعارض نیست، زیرا اولاً آیه بر روایت مقدم است و ثانیاً همیشه باید به گوینده توجه کرد زیرا در اثر گذاری و زودپذیری آن تأثیر فراوانی دارد؛ اما آنجا که در گوینده غلو می‌شود و هر چیزی را با استناد به او مورد تصویب قرار می‌دهند و یا او را بی‌جهت دست‌کم می‌گیرند، هشدار استثنایی به نظر می‌رسد و هشدار می‌دهد که: «به آنکه می‌گوید توجه نکنید، بنگرید که چه می‌گوید». طبیعی است که شأن نزول و ویژگی‌هایی که در زمان بیان روایت مطرح شده می‌تواند مشکل را بهتر حل کند.

• دانش ضمنی و دانش عینی

دانش ضمنی بحث بسیار مهم و حساسی در مدیریت و مدیریت دانش است. توجه به اهمیت و وسعت دانش درون نسبت به دانش برون از مسائلی است که به‌عنوان چالش مدیریت امروز تلقی می‌شود. در این باره گفته‌اند:

- «نیة المؤمن خیر من عمله (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۱۳۴)، نیت مؤمن از عمل او بهتر است. به معناست که سطح دید و دانش و علاقه و همت درونی او نسبت به کاری که با کمک ابزار انجام می‌دهد بسیار بیشتر است.

- آیه شریفه «کلمه طيبة کشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها فی السماء» (سوره ابراهیم، آیه ۲۴) یعنی سخن نیکو همچون درخت نیکو است که ریشه در زمین دارد و شاخه‌های آن در آسمان برافراشته است و ناظر به اهمیت فکر و نیت انسان نسبت به آنچه که انجام می‌دهد می‌باشد؛ و یا باروری فکر پس از گذشت زمان نشانگر این واقعیت است که نیت خوب اگرچه به صفحه عمل درنیامده است، ولی در طول زمان توسط خود او و یا دیگران می‌تواند به‌بار بنشیند.

- روایت «قیمه کل امرء ما یحسنه» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۶۵؛ نهج البلاغه، ۱۳۸۱، حکمت ۸۱) به این معناست که: ارزش هر کس به اندازه آن چیزی است که آن را نیکو می‌پندارد و یا نیکو می‌شمارد. طبیعی است نیکو شمردن و پنداشتن خیر در مقایسه با انجام آن بسیار متفاوت است.

• مزاحمت‌ها و خشه‌ها

خشه‌ها و مزاحم‌ها آن چیزهایی هستند که انسان را از رسیدن به مطلوب و مقصود بازمی‌دارند و یا او را با تأخیر مواجه می‌سازند. یکی از مواردی که باعث تأخیر در رسیدن به مطلوب می‌شود اظهارنظرهای بیجا و یا نابجاست. اگر در جایی که مطلبی نباید گفته شود سکوت اختیار شود، انسان را در رسیدن به مقصود بسیار بیشتر کمک می‌کند؛ مزاحمت‌ها و خشه‌ها نیز همین کار را می‌کنند و انسان را از رسیدن به مقصود بازمی‌دارند و یا دیرتر به مقصود می‌رسانند. اطلاع غلط دادن و یا پرگفتن هر دو مزاحم‌اند. کافی است به مزاحم (اسپیم)‌های موجود در اینترنت توجه شود که در هر زمان فرد را با انبوهی از اطلاعات ناخواسته مواجه می‌کند که خلاص شدن از شر آن خود وقت زیادی را می‌گیرد. در این رابطه روایات زیر قابل توجه است:

- «المکثار مهزال»، پرگویی باعث به خطا رفتن است.

- «ولا تقف ما لیس لك به علم» (سوره الاسراء، آیه ۳۶)، نسبت به آنچه نمی‌دانی ایستادگی مکن.

- «صمت و سکوت»، در روایت است که اگر علم را به ده قسمت تقسیم کنند، نه قسمت آن در سکوت است و یک قسمت در سخن گفتن است.

- «رحم الله امرأً ترک مالاً یعنی» (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۶۷)، خدا بیامرزد کسی را که آنچه به او مربوط نیست ترک کند.

- «لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده... ولكن انظروا الی صدق حدیثه و اداء امانته» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۱۶۵)، به طول رکوع و سجود افراد ننگرید، بلکه به درستی در گفتار و اداء امانت آنها توجه کنید. این روایت به تعهد انسان‌ها در قبال آنچه می‌گویند و یا توصیه می‌کنند به عنوان امانت و راستی گفتار توجه می‌کند.

- حکمت ۸۲ نهج البلاغه که قبلاً ذکر آن رفت نیز می‌تواند در اینجا مورد توجه قرار گیرد که: هرگز نباید کسی نسبت به آنچه که نمی‌داند شرم کند، بلکه لازم است بگوید نمی‌دانم.

- «ان الله یبغض کثرة السؤال و القیل و القال» (عطاردی خبوشانی، ۱۳۹۲ق، ج ۱، ص ۲۸۵)، وقتی قصد خودنمایی باشد از زیاد سؤال کردن و قیل و قال کردن تقبیح شده است و اشاره شده که خدا با چنین کسانی دشمن است.

• سؤال محوری

سؤال در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی از کلمات کلیدی است. کاربرد با سؤال وارد محیط کتابخانه و یا مراکز اطلاع‌رسانی می‌شود و یا از طریق رسانه‌های الکترونیکی آن را جست‌وجو

می‌کند. کتابدار و اطلاع‌رسان نیز باید سؤال را خوب بفهمد و آن را با منابع مرتبط کند و پاسخ را به کاربر ارائه دهد. روایات در این باره به قرار زیر است:

- «الان السؤال مفتاح العلم» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۸۵)، بدانید سؤال کلید دانش است.
- «حسن سؤال نصف العلم» (شیرازی، ۱۳۵۸، ص ۱۵۴)، خوب پرسیدن نیمی از علم است.
این دو جمله به خوبی می‌تواند اهمیت سؤال و طریقه ارائه آن را بیان کنند. توجه به اهمیت سؤال از یک طرف و جرأت و جسارت برای طرح آن و همچنین خوب طرح کردن آن از طرف دیگر به مقدار زیادی به رسیدن به پاسخ درست کمک می‌کند.
- «فاسئلوا اهل الذکران کتّم لاتعلمون» (سوره انبیا، آیه ۷) یعنی اگر نمی‌دانید از اهل ذکر پرسید هم مؤید دیگری بر اهمیت سؤال است که در بخش مرجع درباره آن بحث می‌شود.

• مرجع

بخش مرجع یکی از بحث‌های مهم کتابداری و اطلاع‌رسانی و یکی از مهم‌ترین بخش‌های کتابخانه است. اهمیت آن تا به آنجاست که آن را گل سرسبد فعالیت‌های کتابخانه دانسته‌اند. اینکه مرجع چیست و مرجع کیست و چه وقت و چه زمان باید دنبال آن رفت، می‌تواند در آیه زیر متجلی شود:

- «فاسئلوا اهل الذکران کتّم لاتعلمون» (سوره انبیا، آیه ۷)، در این آیه اولاً به سؤال کردن تأکید شده آن هم نه برای فرد، بلکه برای همه. جمله به صیغه امری ادا شده، یعنی همه موظف به سؤال‌اند. نکته مهم اینکه باید سؤال از اهل فن و اهل ذکر باشد، نه هر کس؛ و سرانجام زمانی باید سؤال شود که قصد جدی در کار باشد و نه سؤال برای شوخی و توأم با اذیت و آزار دیگران.

• زمینه

زمینه و توجه به آن، در بحث کتابداری و اطلاع‌رسانی بسیار مهم است. توجه به محیط و زمینه می‌تواند به مقدار زیادی در حل مشکل و یافتن پاسخ مؤثر باشد. پالایش محیط از خشه و ایجاد محیط باصفا و صمیمیت برای پرسشگر و پاسخ‌گو از مهم‌ترین عوامل رسیدن به مطلوب است. البته در مسائل علمی طبعاً این زمینه به معنای همسو بودن و هم‌راستا بودن زمینه فکری و تخصصی پرسشگر و پاسخ‌گو هم هست. اگر قرار باشد پرسشگر نداند که چه می‌خواهد و برای چه می‌گوید، و کتابدار و اطلاع‌رسان هم به مجموعه خود واقف نباشد و نیز محیط کاربر را نشناسد (فدائی، ۱۳۸۹) طبعاً نمی‌تواند به نتیجه مطلوب برسد. در این باره می‌توان به مستندات زیر اشاره کرد:

- علی علیه‌السلام در آخرین وصایای خود به فرزندان گرامی خویش و دیگران پس

از امر به نظم امور می فرماید: «فانی سمعت جدکما رسول الله - صلی الله علیه و آله- يقول: صلاح ذات البین افضل من عامه الصلوة والصیام» (نهج البلاغه، ۱۳۸۱، نامه شماره ۴۷)، اصلاح ذات البین و ایجاد محیط باصفا و آرام از پیش زمینه و یا زمینه رسیدن به مطلوب است؛ جایی که پرسشگر و پاسخگو هر دو با هدف رسیدن به مقصود و مطلوب تلاش می کنند، اصلاح ذات البین آنقدر اهمیت دارد که در کلام علی علیه السلام از قول پیامبر اهمیت آن برتر از همه نمازها و روزهها در طول همه زمانها اعلام شده است.

روایت دیگری می تواند مؤید این مسئله باشد که می گوید:

«من عمل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر طریق»، هر کس از روی غیر بصیرت کار کند، مانند روند در غیر مسیر و راه است.

همچنین روایت است که: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۳۱)، عالم به زمان خود به شرایط و مقتضیات محیط مشکلات بر او هجوم نمی آورند.

• اخلاق کتابداری و اطلاع رسانی

اخلاق جانمایه انجام هر کاری است و با آن، کار اهمیت خود را باز می یابد. اخلاق در همه امور مطلوب است. یک معنی اخلاق می تواند این باشد که انجام کار به گونه ای صورت گیرد که زیبنده آن است. در این زمینه می توان به مستندات زیر اشاره کرد:

«لاتبتلوا صدقاتکم بالمن والاذی»، کارهای نیکوی خود را با منت گذاری و اذیت کردن از بین نبرید (سوره بقره، آیه ۲۶۴).

«حوائج الناس الیکم نعمه من الله فلا تملوا منها» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۲۱)، حوائج مردم به سوی شما نعمت است از آن ملول و خسته نشوید.

• استناد

استناد و استناددهی از جمله مباحث مطرح در علم کتابداری و اطلاع رسانی است. استناد به این معنا که انسان گفته و نوشته خود را به منبع موثق متکی کند. معنای مخالف آن این است که از استناد به منبع غیر مرتبط و یا از استناد به گونه ای که حمل بر سرقت ادبی شود، اجتناب شود. در این زمینه می توان به روایت زیر استناد کرد که:

«لا تنظروا الی طول رکوع الرجل و سجوده... ولكن انظروا الی صدق حدیثه و اداء امانته» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۱۶۵)، بدیهی است صدق حدیث و اداء امانت دو عاملی است که هر فرد را مقید می کند که جز با استناد سخنی نگوید و مطلبی ننویسد؛ زیرا آنچه شخص نقل می کند اگر از خود او نباشد قطعاً براساس صدق حدیث و اداء امانت ناگزیر است که

مستند آن را بدون کم و کاست ذکر کند. حق مؤلف هم که از مسائل مهم است می‌تواند از این روایت استنتاج شود.

• بازنمایی

بازنمایی از نکات مهم در کتابداری و اطلاع‌رسانی و به‌ویژه در امر استناد است. اینکه آنچه وجود دارد را باید نشان داد، می‌تواند محققان را در یافتن گمشده خویش یاری دهد و از انحراف آنان به‌ویژه استناد باز دارد. آیه شریفه قرآن می‌فرماید:
«و اما بنعمت ربک فحدث»، و نعمت‌های پروردگارت را بازگو کن (سوره ضحی، آیه ۱۱).

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله آمد صرفاً اشاره‌ای محدود و گذرا بود به مبانی فکری-فرهنگی در مباحث کتابداری و اطلاع‌رسانی؛ طبعاً برای تحقیق بیشتر باید پایان‌نامه و رساله‌هایی را هدایت کرد. این موارد اشاراتی بود به اینکه این حوزه می‌تواند تا حدود زیادی مستندات بومی پیدا کند. بحث و فحص در ادبیات فارسی و اینکه ادبا و شعرا و عرفا در این موارد چه گفته‌اند و یا حتی چه کرده‌اند خود پایان‌نامه دیگری می‌خواهد. غرض این مقاله این بود تا نشان دهد در حوزه‌های علمی و به‌ویژه علوم انسانی، همانند توجه به منابع دیگران و به‌ویژه غربی‌ها لازم است که به منابع و متون فارسی و عربی نیز توجه لازم شود و در کنار مباحث و مفاهیم آنان از مستندات اسلامی و ایرانی هم استفاده شود. پیشنهاد می‌شود که در سایر حوزه‌های علوم انسانی چنین اقدامی صورت گیرد تا دانشجویان و محققان به هنگام نگارش و ارائه سخن با دیدی بازتر نسبت به موجودی خویش، از دستاوردهای علمی و پژوهشی جهان استفاده کنند.

منبع

- ابن حزم اندلسی، علی بن احمد (۱۳۶۹). *مراتب العلوم*. تحقیق احسان عباس. ترجمه محمدعلی خاکساری. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. تهران: دانشگاه تهران.
- حرعاملی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). *تفصیل و مسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق). *قرب الاسناد*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
- رجبی، محمد (۱۳۶۹). «کتاب و کتابت در اسلام». *فصلنامه کتاب*، (۱۱).

شیرازی، حسن. (۱۳۵۸). *کلمة الامام الحسن (عليه السلام): سخنان امام حسن (ع)*. ترجمه علیرضا میرزاحمد. تهران: نور.

عطاردی خوششانی، عزیزالله (۱۳۹۲ق). *مسند الامام الرضا ابی الحسن علی بن موسی علیهما السلام*. تهران: مکتبه الصدوق.

فدائی، غلامرضا (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر هویت کتابداری و اطلاع‌رسانی*. تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی. قمی، عباس (۱۴۱۴ق). *سفینه البحار ومدینه الحکم والاثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الانوار بطبعته القدیمة و الجدیة*. [بی جا]: دارالاسوه.

فرامرزی، سالار؛ همایی، رضا؛ حسن، محمدسلطان (۱۳۸۸). «بررسی رابط هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان». *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۳(۵).

----- (۱۳۸۳). *کلیات مفاتیح الجنان*. ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: مؤمنین.

کلینی، ابی جعفر محمدبن یعقوب (۱۳۴۸). *اصول کافی*. ترجمه و شرح جواد مصطفوی. تهران: علمیه اسلامیة. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار: الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. *نهج البلاغه* (۱۳۸۱). ترجمه محمد دشتی. تهران: زهد.

نهج الفصاحه: مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص) (۱۳۴۱). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: کتابخانه اسلامیة.

هویدا، رضا؛ آقابابایی، راضیه (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی مدل چهار مرحله‌ای خودارزیابی در اسلام (مشارطه، مراقبه، محاسبه، معاتبه)، استراتژی‌های رفتار محوری خود رهبری». *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۳(۵).

The Epistemological Lifeboat. "Epistemology and philosophy of science for information scientists". Birger Hjørland & Jeppe Nicolaisen (eds.). from: <http://www.google.com/#sclient=psy-2> Sep 2011

استناد به این مقاله: فدائی، غلامرضا (۱۳۹۱). «ریشه‌های فرهنگی و بومی مفاهیم کتابداری و اطلاع‌رسانی». *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۳(۳).